

# فصل اول

کلیات

جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل باورهای عامیانه مردم یک منطقه کار آسانی نیست و با دشواری‌ها و تنگناهای خاصی همراه است، «دقت زیاد باید به عمل آید تا مبدا با تحمیل یک چارچوب یا نظام مفهومی بیگانه با فرهنگ بومی و غیر قابل بیان برای آنها. باورداشت‌های فرهنگ‌های دیگر، در واقع کشف شیوه‌های دیگر برای نگرستن به جهان است.» (همیلتون: ۱۳۸۱، ۵۹)

انسانهایی که در یک فرهنگ با زیر مجموعه‌ی باوری و آیینی زندگی می‌کنند، متفاوت با انسان‌هایی هستند که در یک فرهنگ دیگر با زیر مجموعه باوری و آیینی دیگری زندگی می‌کنند.

انسان بعد از طی مراحل مختلف زندگی در دوره‌های مختلف زیستی موسوم به دوره‌های سنگی توانست، «در مقابل فشار محیطی، بیشتر از ابزار و آلات مناسب، البسه، پناهگاه و کلبه، آتش و غیره استفاده کند تا اینکه واکنش زیستی بدنی مناسبی را از خود نشان دهد. این امر برای جمعیت‌های انسانی بدون توجه به اینکه در سرما یا گرما، در جای خشک یا مرطوب و در جنگل یا دشت زندگی می‌کردند، صادق بود زیرا فرهنگ آموختنی است و به وسیله‌ی ژن‌ها حمل نمی‌شود و با زبان از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود که معمولاً به آن «قدرت مغز» می‌گویند.» (عسکری خانقاه و شریف کمالی، ۱۳۸۷، ۱۱۷) افزایش قدرت مغز انسان باعث شده تا انسان بتواند بیاندهد و درباره‌ی مسایل مختلفی که در اطرافش اتفاق می‌افتد، تفکر کند و با بهره‌گیری از مغز بتواند ابزارهای مختلفی بسازد. ظهور نیازهای جدید موجب شد آدمی با گذشت زمان بر پای ایستد، نخست همه چیز را چون خود جاندار و زنده می‌پنداشت و چنین بود برای شناخت خویش و جهان به پندار روی آورد و «بعد از دگرگونی روال زندگی به دانستگی و از پایان دوره‌ی مفرغ و از دوره‌ی آهن به دانش‌های عملی و نظری روی آورد و با پیدایی ماشین و صنعت «ایدئولوژی»‌های مختلف پدیدار می‌گردد و در شناخت جوامع انسانی و شناخت فرهنگ «میتولوژی»<sup>\*</sup> وسیله‌ی شناخت جهان باستان و جوامع همانند آن در زمان حال و ساخت اقتصادی-اجتماعی هر جامعه و «ایدئولوژی»‌های موجود در آن وسیله‌ی شناخت جهان نو است.» (باجلان فرخی و همکاران: ۱۳۵۸، ۶)

---

\* اسطوره‌شناسی

در کسب آگاهی از باورهای مردم یک منطقه باید چند موضوع باید مورد توجه قرار گیرد؛ ۱- زبان؛ ۲- موقعیت جغرافیایی منطقه؛ ۳- چگونگی امرار و معاش مردم؛ ۴- جانورانی (چه وحشی و چه اهلی) که در آن منطقه زیست می‌کنند؛ ۵- مذهب؛ ۶- تاریخ؛ ۷- موقعیت اجتماعی؛ ۸- تعاملات و ارتباطات.

۱- زبان؛ باور و آیین در ذهن انسان شکل می‌گیرد و به وسیله‌ی زبان به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود. مهمترین مشخصه‌ی زیستی انسان‌ها، مشخصه‌ی زبان و اندیشه و نحوه‌ی ارتباط این دو با هم است. در اینجا سوالی که مطرح است این است، که آیا زبان بر اندیشه تأثیر می‌گذارد و یا اندیشه بر زبان؟ بنا به گفته‌ی امیل دورکیم «ارتباط بین زبان و اندیشه بسیار نزدیک است که این زبان است بر اندیشه اثر می‌گذارد و تا حدودی نمی‌تواند مانع از خطا و انحراف آن گردد.» (دورکیم، ۱۳۸۲، ص ۱۰۱) «زبان فقط بازتابی از حقیقت نیست و تفکر و رفتار تحت تأثیر آنند» (عسکری خانقاه و شریف کمالی، ۱۳۷۸، ص ۲۹۱) ولفسون<sup>۱</sup> (۱۹۷۲) عقیده دارد که «حقیقت برای همه‌ی ما مثل هم است. سیستم اعصاب ما را جریان مداوم احساس و شعور بمباران می‌کند، ولی همه‌ی آنها به آگاهی نمی‌رسد چون سیستم‌های صافی آنها را به مسایل مورد نظر تبدیل می‌کند. فرضیه‌ی ورف می‌گوید که این سیستم صافی زبان است. در حقیقت زبان ماست که مانند عینکی عمل می‌کند تا جهان را از دریچه‌ای خاص ببینیم.» (همان، ۲۹۱) «زبان مردم را از فکر کردن درباره‌ی راه‌های جدید و تازه منع نمی‌کند. اگر تفکر باعث تغییرات مهمی در عقاید مشترک و علاقه‌مندی گروه‌ها می‌شود، می‌توان انتظار داشت که زبان تغییر نماید.» (همان، ۲۹۲) به عقیده‌ی «مولر» زبان و اندیشه به هم وابسته‌اند اگر زبان دچار بیماری بشود اندیشه دچار بیماری می‌گردد، در بین فرهنگ‌های مختلف بشری، میان فرهنگ هند و اروپایی باورها و عقاید و آیین مشترکی وجود دارد، دلیل این اشتراک به عقیده ماکس مولر در این است که «زبان‌های هند و اروپایی تا زمانی که شکل گرفتند و اندیشه‌های آنها هم در زبانشان به وجود آمده است.» (دورکیم، ۱۳۸۲ ص ۱۰۲) بدین جهت ریشه بسیاری از باورها و آیین‌های ایرانی ریشه در باورها و آیین‌های هندواروپایی دارند و دلیل اشتراک باورها و آیین‌های ایرانی و اقوام هند و اروپایی را می‌توان در زبانشان جستجو نمود.

۲- جغرافیا (محیط)؛ نقش اساسی در چگونگی شکل‌گیری باورهای مردم دارد. «شرایط جغرافیایی و آب و هوایی هر منطقه اثرات زیادی در باورها و آیین‌های مردم آن منطقه» دارد. (معصومی، ۱۳۸۶، ص ۴۳)

<sup>۱</sup> Peter Woolfson

باورهای عامیانه مردمان مناطق مختلف بر حسب موقعیت طبیعی و جغرافیایی، مثلاً نزدیکی یا دوری از پدیده‌های طبیعی همچون دریا، کوه، رودخانه، جنگل، کویر دارای باورهای عامیانه متفاوت با یکدیگر هستند. در سرزمینی که بارش باران فراوان است، مردمان آن سرزمین باورهای زیادی راجع به آمدن یا نیامدن باران دارند، زیرا باران نقش تعیین کننده‌ای در چگونگی فعالیت مردمان آن سرزمین دارد، و منطقه‌ای که دارای آب و هوای کوهستانی باشد باورهای مرتبط با آمدن برف بیشتر از باران است. «از دیدگاه قوم‌شناسی، معنای عمیق اساطیر [و باورهای عامیانه] را باید خارج از کار ویژه دینی آشکارشان، جستجو کرد. این معنا، عمیقاً به ساختارهای اجتماعی دینی و نیز به انحا و شیوه‌های زیست که خود به محیط جغرافیایی وابسته‌اند، پیوسته است.» (ستاری، ۱۳۸۴، ص ۱۵) همچنین «معتقدات اقوام دشت نشین با باورهای اساطیری اقوام کوه نشین، متفاوت است و همین تفاوت میان مناطق واقع در مدار شمالگان یا واقع در قاره‌ی جنوبگان و سرزمین‌های کویری نیز به چشم می‌خورد.» (همان، ص ۹۵)

۳- شغل و چگونگی امرار معاش انسان‌ها؛ در چگونگی شکل‌گیری باورها نقش اساسی دارد، مثلاً مردمانی که از طریق پیشه‌ی کشاورزی امرار معاش می‌کنند دارای باورهای متفاوتی با کوه‌نشینانی هستند که از طریق شیبانی و گله‌داری امرار معاش می‌کنند. صیادی که در دریا به صید و صیادی مشغول است باوری که بیشتر ذهنش را مشغول می‌کند بیشتر مربوط به موقع صید، ماهی و آرامش یا موج بودن دریا است، ولی چوپانی که در دل کوه مشغول چوپانی است باورهایی که ذهن او را مشغول می‌سازد بیشتر مربوط به گله‌هایش است. چوپان برای پیش‌بینی وضع هوا به حرکات گوسفند توجه دارد و از طریق حرکات گوسفندان خیلی از موضوعات مربوط به زندگی و مرگ، چگونگی وضع هوا را متوجه، و از آینده باخبر می‌گردد. «جهان اساطیری اقوام گله چران با جهان اساطیری اقوام کشاورز، مطابقت ندارد» (همان، ص ۹۵).

۴- جانوران و حیواناتی که در یک محیط جغرافیایی زیست می‌کنند؛ نیز در ارتباط با چگونگی شکل‌گیری باورهای مردمان آن سرزمین تأثیری به‌سزا دارند. به‌عنوان نمونه، در منطقه‌ای که مارهای زیادی در آن زیست می‌کنند، مردمان آن منطقه باورهای زیادی در ارتباط با مار دارند ولی در منطقه‌ای دیگر که خوک‌های زیادی زندگی می‌کنند مردمان باورهای زیادی راجع به این حیوان دارند.

۵- مذهب؛ نقش این عامل را در شکل‌گیری باورهای مذهبی مردمان نمی‌توان نادیده گرفت، چرا که مذهب نقش مهمی در حفظ و استمرار این گونه باورها دارد. اعتقاد و باوری که مسلمانان در ارتباط با اعتقاد به معاد دارند، متفاوت با اعتقاد و باوری است که مسیحیان در ارتباط با این موضوع دارند.

۶- تاریخ و گذشته مردمان؛ نیز در استمرار و شکل‌گیری باورها نقش به‌سزایی دارد. سرزمین‌هایی که دارای پیشینه‌ی تاریخی بیشتری هستند، گستره باور ساکنانشان به مراتب بیشتر از سرزمین‌هایی است که از قدمت تاریخی چندانی ندارند.

۷- موقعیت اجتماعی؛ مردمان یک سرزمین بر حسب میزان درآمد، نوع شغل و تحصیل در طبقه اجتماعی خاصی از جامعه جای می‌گیرند. معمولاً مردمانی که از نظر سطح درآمد، نوع شغل و سطح سواد در سطح پایین‌تری قرار دارند، باورمندتر از افرادی هستند که از نظر درآمد، نوع شغل و سطح تحصیلات دارای مرتبه‌ی بالاتری هستند.

۸- تعاملات و ارتباطات؛ نقش تعاملات و ارتباطات در گسترش باورها و آیین‌ها بر کسی پوشیده نیست. برای نمونه گستره تعاملات و ارتباطات مردمان ایران به دلیل واقع شدن این کشور در چهارراه ارتباطی شرق و غرب، شمال و جنوب، موجبی برای یافت شدن باورها و عقاید ملل مختلف جهان در این کشور شده است. ایران از جمله کشورهایی است که دارای ساکنانی از قوم‌های مختلف است. یکی از قوم‌های مشهور ایرانی که در مناطق شمالی ایران، و در سرزمین‌های کوهستانی گیلان، زندگی می‌کنند، «قوم دیلم» است که در متون مختلف تاریخی و ادبی از آنان به‌عنوان جنگاورانی غیور نام برده شده است.

بسیاری از باورهای انسان‌ها ریشه در «افکار و اعتقادات بومی که نتیجه آزمایش روزانه، خانوادگی، مذهبی و انفرادی یا از جمله یادگارهای خیلی پیشین نژاد هند و ایرانی است که در ایران برجا مانده است.» (هدایت، ۱۳۱۰، ص ۲۴) بنا به اعتقاد هدایت اینگونه اعتقادات را باید حفظ کرد و در ضمن برخی از این باورها و «اعتقادات و خرافات که از ملل بیگانه مانند سیت‌ها، پارتها، یونانیان، رومیان به‌خصوص ملل سامی مانند کلدانیان، بابلیان، یهودیان و عرب‌ها به ایران سرازیر گردیده و یا در نتیجه تحمیل مذهبی به مردم تزریق شده و یا تخفیف و دخل و تصرف در آداب بومی که به‌صورت بیگانه درآورده‌اند.» (همان، ۲۶)

به نظر وی باورهایی که از کشورهای بیگانه وارد سرزمین ایران گردیده و زندگی مردم را مشکل و زهرآلود کرده است، برای فرهنگ مردم ایران بسیار مضر بوده، از این رو باید فراموششان کرد.\*

جامعه اشکور جامعه‌ای است که تا حدودی با سایر جوامع ایرانی در ارتباط بوده است. باورها و آیین‌های برجای مانده از مردم اشکور اشتراکات بسیاری با باورها و آیین‌های مردم سایر نقاط ایران دارد.

در میان کشاورزان و دامداران، مطلع بودن از فصول مختلف امری ضروری تلقی می‌شود و دانستن زمان در برایشان بسیار مهم است، بدین جهت در اذهان چوپانان و کشاورزان اشکوری، تقویمی بسیار منظم و دقیق به نام «تقویم گالشی» وجود دارد که به وسیله‌ی آن از اعیاد، زمان کوچ گوسفندان و دام‌ها و همچنین زمان کشت محصولات و... با خبر می‌شوند. (اگر چه امروزه تقویم گالشی فقط در بین کهنسالان منطقه رواج دارد و جوانان اشکوری کمتر با این تقویم آشنایی دارند.)

بسیاری از باورها و آیین‌های برجای مانده در اشکور ریشه در اعمال کشاورزی مردمان این دیار دارد، به‌عنوان مثال مواقعی که با وجود نیاز کشاورزان اشکوری به باران، طبیعت از بارش امتناع می‌ورزد، آنان عمل آیینی «باران خواهی» که همان دادن اطعام و روضه‌خوانی (شیلان کشی) را طبق مراسم خاصی در مسجد یا امام زاده روستا به‌طور جمعی برگزار می‌کنند. و یا زمانی که برای درو محصولاتشان نیاز به آفتاب دارند، برای رهایی از هوای بارانی در این زمان، عمل آیینی «آفتاب خواهی» را برگزار می‌کنند.

به‌طور کلی در منطقه اشکور دو گونه اعمال آیینی به وسیله‌ی مردم برپا می‌شود که عبارتند از:

۱- آیین‌های مذهبی؛ ۲- آیین‌های غیر مذهبی.

آیین‌های مذهبی که در اشکور برپا می‌شوند عبارتند از: آیین علم دبسی (Alam dabesi) و آیین علم واچینی یا جشن خرمن (Alam vâčini)~

آیین‌های مذهبی «علم دبسی» و «علم واچینی» را مردم اشکور در دهه‌ی محرم برگزار می‌کنند، آیین علم دبسی در روز هفتم محرم و آیین علم واچینی در روز دهم محرم بر طبق سنت خاصی از سالیان دور در بین مردمان اشکور برپا می‌شود. این آیین‌های مذهبی را بدین جهت برگزار می‌کنند تا جوانمردی و پهلوانی ابوالفضل (ع) را به‌تصویر کشیده و زنده نگاه دارند.

---

\*. برای آگاهی بیشتر رک: به دیپاچه نیرنگستان، ص ۲۷.

آیین‌های غیرمذهبی که در اشکور بر گزار می‌شوند عبارتند از: تیرماه‌سیزده‌شو، آیین‌باران خواهی و آیین آفتاب خواهی (خورده تاو).

تحقیق حاضر با امعان نظر به موضوعات برشمردده شده در پی آن است، با بررسی و شناخت باورها و آیین‌های مرسوم در میان مردم منطقه اشکورسغلی، آن‌ها را در قالب رساله‌ای مستقل منعکس نماید. رساله حاضر مشتمل بر پنج فصل است: فصل اول شامل کلیات؛ فصل دوم شامل اوضاع جغرافیایی و تاریخی؛ فصل سوم شامل آیین‌های مردم اشکور؛ فصل چهارم شامل باورها و افسانه‌ها؛ فصل پنجم شامل باورهای گوناگون مردم منطقه است.

## - طرح مسأله

انسان‌های گذشته برای آگاهی از حوادث پیرامونی و اتفاق‌های روزانه از نیروهای غیبی بهره می‌جستند. بر اثر گذشت زمان و کسب تجربه آنان با درک بهتر محیط پیرامونی، خاصه در ارتباط با اشیاء و حیوانات به رمز و رازهای محیط پیرامونی آگاهی می‌یافتند. انسان اولیه پیوندی ناگستنی با طبیعت داشته، زیرا «انسان بدوی آب را بی فلسفه می‌خورد، نبض او با نبض درخت می‌زد و بین خود و جهان و طبیعت، جدایی قائل نبود.» (تسلیمی، ۳۸۱، ص ۸) باور به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های اصلی فرهنگ، همانند دیگر عناصر فرهنگی همواره آموختنی بوده است، نه اکتساب.

بشر باورهای عامیانه را می‌آموزد، و زمانی که باور را یاد گرفته از طریق زبان به نسل‌های بعد انتقال می‌دهد. «رشد مغز در انسان باعث شد که انسان به سازگاری فرهنگی - و نه جسمانی یا فیزیکی - در محیط خود برسد. ادامه‌ی افزایش حجم مغز، انسان را به تفکر وا داشت.» (عسکری خانقاه : ۱۳۷۸، ۱۸۵)

باور نخستین تراوش فکری بشر است، با «تحول باورها به عنوان بنیادی‌ترین جهان‌بینی انسان، فرهنگ سویه‌های گوناگونی به خود می‌گیرد. شناخت فرهنگ و ملت و قومی بدون شناخت تحولاتی که در باورهای آن قوم به وجود آمده امکان پذیر نیست.» (سهامی ۱۳۸۶، ص ۱۹۹) انسان دیروزی به باورهایی که در پی سالیان سال از پدران‌ش آموخته بود سعی می‌کرده بدان‌ها عمل کند و بدین نحو با عمل و اعتقاد کامل به باورهایش به زندگی خویشتن رنگ و جلای معنوی و اعتقادی می‌بخشیده است.

اما برای طرح مسأله بهتر است در بدو امر به چند نکته اساسی در خصوص باورهای عامیانه توجه شود:

- همان طوری که پیشتر بیان شد، باور، که آموختنی است و نه اکتسابی، جزیی از فرهنگ بشری است که در طول سالیان سال از طریق زبان از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته؛

- رویکرد انسان‌ها به باورهای عامیانه متفاوت است. امروزه انسان‌های به اصطلاح مدرن انسان‌های پایبند به باورها و آیین‌های گذشته‌شان را انسان‌های سنتی و در واقع انسان‌های خرافی تلقی می‌کنند، در عوض همان انسان‌های باورمند به انسان‌های مدرن به‌عنوان انسان‌هایی غیر معتقد می‌نگرند؛

به‌طور کلی باورها، در علومی که بدان پرداخته‌اند، دارای بحث‌های بسیار گسترده و پیچیده‌ای هستند. بسیاری از روان‌شناسان بحث باور را به‌عنوان «هر نوع عقیده‌ی نامعقول و بی‌اساس می‌دانند». آنها باورها را به «دو گروه مجزای گروهی و شخصی تقسیم‌بندی می‌کنند؛ باورهای گروهی ریشه در اشتراکات اجتماعی دارد و از راه سنت به ما رسیده‌اند مانند: فال زدن‌ها، آیینه شکستن، نعل اسب در آتش افکندن، چاه‌های مراد، طلسم‌ها، تعویذها و مانند این‌ها. مسایل مربوط به بیماری‌ها که انبوهی از باورها فراگرفته و در طب عامیانه همچنان وجود دارد. بسیاری از این گونه باورها و اعمال، سابقه‌ای بس طولانی دارند و در بیشتر موارد توانسته‌اند خود را با شرایط نوین زندگی سازگار نمایند، نظیر قربانی برای خرید ماشین.»

«باورهای شخصی شامل آن دسته از باورها است که یک فرد شخصاً آن را ابداع کرده است بی‌آنکه آنها را با دیگران در میان بگذارد.» (جاهودا، ۱۳۶۳، صص ۲۴ تا ۲۷)

روان‌شناسان، آبشخور باورها را «ضمیر ناخودآگاه انسان می‌دانند». تحلیلی که یونگ از باورها ارایه می‌کند بسیار جالب و از دیدگاه مردم‌شناسی قابل پذیرش است. «یونگ باورها را مسأله‌ای مربوط به گذشته و یا محدود به طبقات کم‌سواد نمی‌داند بلکه آن را بخش جدایی‌ناپذیر، از ساخت ذهنی همه‌ی آدمیان می‌داند که تحت شرایط خاصی به سطح هوشیاری می‌رسد.» (همان، ۱۲۳) منشأ برخی از این باورها «به نیاکان حیوانی دوره پارینه‌سنگی - «توتم» - و برخی به اسطوره‌های کهن بازمی‌گردد و برخی دیگر از این باورها برگرفته از تجارب فردی است.» (ملک‌زاده، ۱۳۸۵، صص ۶۶).

باورهای عامیانه به چند گروه مجزا قابل تقسیم‌بندی هستند. مهمترین تقسیم‌بندی که در این نوشته بدان پرداخته می‌شود: باورهای مستقیم و باورهای غیرمستقیم است. باور مستقیم به آن دسته از باورهای گفته



می‌شود که به‌خودی خود در یک جمله خبری حاوی پیامی است که بیان‌کننده‌ی آن است که عملی باید انجام بگیرد یا آن عمل نباید انجام بگیرد.

باورهای غیرمستقیم به آن دسته از باورها گفته می‌شود که «تنها به‌طور آشکار و روشن از طریق مراسمی که آنها را بیان می‌دارند، بروز می‌کنند.» (دورکهم، ۱۳۸۲، ص ۱۳۶) به آن دسته از آیین‌ها که به‌خودی خود بیان‌کننده‌ی باوری نیستند، اما اعتقاد انسان‌ها به این‌گونه آیین‌ها همواره وجود داشته و تا به امروز همچنان حفظ شده و از نیستی و نابودی بر حذر مانده‌اند.

مهمترین باورهای مستقیم عبارتند از:

- تفأل ناشی از اعضای بدن انسان یا حیوان و یا درختان و ... مانند عمل عطسه کردن (زمانی فردی در بین جمعی عطسه کرد، اگر عملی قرار بود انجام بگیرد، به سبب عطسه انجام نگرفته و یا به تأخیر می‌افتد).

- باورهای مرتبط با بخت و اقبال؛ نظیر وارد شدن گنجشگ یا هرپرنده‌ی دیگری به هنگام تحویل عید نوروز به داخل خانه، را به فال نیک می‌گیرند و معتقدند که آن سال، سال خوبی برای آن خانواده و همراه با خوشی و برکت است.

- اعتقاد داشتن به سعد و نحس بودن بعضی از ایام خاص. مانند روز نهم هر ماه نحس است که در آن روز کاری انجام نمی‌دهند. و یا پنجگ (پنج روز پیتک) در تقویم گالشی نحس است. که در این روز دست به هیچ کاری نمی‌زنند، اگر گالشان منطقه قصد داشته باشند که دامشان را کوچ بدهند سعی می‌کنند در این پنج روز نباشد.

بسیاری از باورهای اینگونه را جزء زیر مجموعه‌ی باورهای مستقیم می‌دانیم.

رگه‌هایی از باورهای غیرمستقیم در منطقه اشکور به چشم می‌خورد، که برخی از آن‌ها عبارتند از:

الف - آیین باران خواهی و آفتاب خواهی (خورده تاو)؛ این آیین‌ها زمانی در منطقه‌ی اشکور برگزار می‌شود که در این منطقه برای مدت زمان طولانی هوا به‌شدت بارانی و یا آفتابی شود. مردم منطقه برای بند آمدن باران و یا برای باریدن باران اقدام به برگزاری این آیین‌ها می‌نمایند. بعد از پایان یافتن مراسم، اقدام به اطعام دهی می‌کنند که بدین جهت به این آیین‌ها «شیلان کشی» هم گفته می‌شود.

ب - علم دبسی؛ این آیین باشکوه در اشکور در روز هفتم ماه محرم انجام می‌گیرد. مردم در روز هفتم ماه محرم با جمع شدن به دور علم و با بستن پارچه‌های سبز به علم، که این تکه پارچه‌ها هر کدام نذر و نیازشان است به دور علم گره می‌زنند.

ج - علم واچینی؛ این آیین در روز عاشورا ماه محرم برگزار می‌شود. پارچه‌هایی را که در روز هفتم به دور علم بستند، در روز دهم طبق آداب خاصی، باز می‌کنند.

همان‌طوری که در سطور بالا گفته شد، سعی بر این است تا باورهای عامیانه را از دیدگاه علم مردم‌شناسی مورد بررسی و شناخت قرار گیرد.

#### - انگیزه تحقیق

انگیزه نگارش رساله در زمینه‌ی باورهای عامیانه به چند علت بوده است:

- سکونت چندین ساله‌ای که در استان گیلان داشته‌ام، خواسته‌ام کاری ناچیز برای قدردانی از مردمان فرهیخته این استان انجام داده باشم؛

- فعالیت پژوهشی گروه گیلان‌شناسی در برانگیختن این جانب نقشی مهمی داشته است؛

- همان‌طوری که نیما در خاطراتش مردم گیلان (لاهیجان) را مردمی باورمند معرفی نموده است و در کتاب «مرقد آقا» به‌خوبی به باورهای توتمی مردم گیلان اشاره کرده است و به نقد آن پرداخته است. سالهای قبل که این کتاب را خوانده بودم تشویق شدم تا بفهمم که این باورها ریشه در چه فرهنگی دارند و چگونه یک درخت تبدیل به تابو و مقدس می‌شود؛

- در چند سال اخیر برخی از مسوولان سعی در از بین بردن باورهای توتمی مردمان این خطه داشتند و در راستای آن به قطع درختان مقدس این سرزمین دستور داده‌اند و عده‌ای هم در صدد بر آمدند تا شجره‌نامه اماکن مقدسه را جهت حذف امامزاده‌های فاقد شجره‌نامه مورد بررسی قرار بدهند، غافل از اینکه ذات مردم به دنبال یک نیروی فراطبیعی می‌گردد تا مشکلات‌شان را با مکان مقدسی در میان بگذارند، چه آن مکان مقدس دارای شجره‌نامه باشد و چه بدون شجره‌نامه و یا از اینکه فردی از روستا خواب دیده باشد که امام زاده‌هایی از نسل فلان امام در آنجا مدفون است یا غیر از آن.

## - اهمیت و ضرورت تحقیق

همان‌طوری که پیشتر اشاره شد در سالیان اخیر برخی از مسوولان فرهنگی ناآشنا به مسایل مردم شناختی همواره سعی نمودند تا بسیاری از باورهای عامیانه مردمان را نشانی از خرافات نشان داده و در خرافه‌زدایی از فرهنگ ایرانی و گیلانی همت گمارند، که به راستی در این راستا بدون بهره‌گیری از دانش و تجارب کارشناسان این حوزه و خبرگان مسایل فرهنگی و مردم شناختی عمل نموده‌اند. بر کسی پوشیده نیست که امروزه با پیشرفت علم بسیاری از باورهای پزشکی و هواشناسی و هزاران مسایل باوری دیگر، کمتر در اذهان انسان‌ها جای دارد و به خودی خود بسیاری از باورها نزد انسان‌ها مطرود شده است. اما همان باورها و دانسته‌ها نزد مردمان دیروز پذیرفتنی و قابل استناد بوده است و آن مردمان با آن چنین عقایدی روزگار گذراندند و توانستند با طبیعت سازش کنند. در نتیجه با توجه به ضرورت برشمرده شده، تحقیق حاضر به دنبال آن است، آن دسته از باورهایی که هنوز در اذهان مردمان به اشکال گوناگون باقی مانده است را استخراج، و نشان دهد که هنوز هم انسان‌ها به دلایل گوناگون به بسیاری از مسایل که همچنان علم و تکنولوژی نتوانسته به آن پاسخ بدهد و یا در سرزمین‌هایی که مردمان آن به علم و تکنولوژی روز دسترسی ندارند انسان‌ها باورمند هستند و از دانسته‌ها و تجربه‌هایی گذشتگان برای رفع نیازشان استفاده می‌کنند.

در کشورهای مختلف، محققان بی‌شماری در طول سالیان متمادی، درصدد جمع‌آوری باورها، سنت‌ها، آیین‌ها، بازی‌ها و سرگرمی‌ها، چیستان‌ها، مثل‌ها، قصه‌های عامیانه و ... برآمده‌اند. در کشور ایران نیز بسیاری از محققان اعم از داخلی و خارجی در دوران حکومت‌های پهلوی اول و دوم به فکر جمع‌آوری فولکلر ایرانیان افتادند و توانستند در حد وسع و توانشان شمه‌ای از فولکلر ملت ایران را با عنوان‌هایی نظیر فرهنگ عامیانه ایران، آداب و معتقدات ایرانی و ... جمع‌آوری و ضبط و ثبت نمایند.

لازم به ذکر است جمع‌آوری فولکلر ایرانی در پی تأسیس اداره‌ی فرهنگ عامه، صورت علمی به خود گرفت. این اداره پس از تأسیس وزارت فرهنگ و هنر زیر عنوان مرکز پژوهش‌های مردم‌شناسی و فرهنگ

عامه، در وزارت‌خانه مذکور به فعالیت خود ادامه داد و از آن پس تحت عنوان مرکز مردم‌شناسی ایران تا دوران انقلاب به فعالیت پرداخت.

پژوهشگران این اداره، به این نتیجه رسیدند که برای جلوگیری از نابودی فرهنگ و دانش عوام، جمع‌آوری و ضبط و ثبت آن به صورت علمی و با کمک وسایل سمعی و بصری امری ضروری است. با گذشت سالیان سال هنوز هم محققان و پژوهشگران ایرانی به فکر جمع‌آوری فولکلر هستند و به خوبی نتوانستند به تجزیه و تحلیل فولکلر بپردازند. از این رو این پژوهش ضمن همگامی با پژوهشگرانی که به جمع‌آوری و ضبط و ثبت باورهای عامیانه مردمان ایران می‌پردازند، بر آن است به تجزیه و تحلیل دقیق و سودمند باورهای عامیانه مردم اشکور پرداخته و در این راه تا حد امکان از دانش مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بهره‌گیرد، تا به سرمنشأ باورها و چگونگی دوام باورها به درستی پی‌برده شود.

#### - هدف تحقیق

مهمترین هدفی که این تحقیق به دنبال آن است، بررسی و شناخت باورهای عامیانه مردم اشکورسلفی رودسر گیلان بوده است. «مردم‌نگاری که وظیفه‌اش ثبت و ضبط رویدادهاست، دارای آنچنان نقش و عملکردی است که بدون آن محو و نابودی قسمت بزرگی از محتویات فرهنگی ملت‌ها علاج‌ناپذیر خواهد بود.» (عسکری خانقاه، ۱۳۷۳، ص ۱۴۰)

#### - روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در رساله حاضر، روش مردم‌شناسی است که عمقی و ژرفانگر می‌باشد، که این روش ژرفانگر، روشی است که پژوهشگر در جامعه‌ای که از وسعت محدودی برخوردار است، وارد می‌شود و آن را به طور عمیق و همه‌جانبه مورد بررسی قرار می‌دهد. که در زمین تحقیق به صورت مشاهده مستقیم مشارکتی بوده است. این روش به وسیله‌ی مردم‌شناس بزرگ‌انگلیسی، مالینوفسکی، پی‌ریزی شده است و مورد استقبال مردم‌شناسان جهان قرار گرفته است.

«پژوهشگر مردم‌شناس باید خود را در زندگی مردم جامعه مورد بررسی کاملاً غرق کند و این کار تنها با اقامت طولانی در میدان تحقیق می‌توان انجام داد.» (رنجبر و ستوده، ۱۳۸۰، ص ۹۲)

#### - سوالات تحقیق

مهمترین سوالاتی که در این رساله از جامعه تحقیق پرسیده شده، عبارتند از:

- ۱ - چه آیین‌های از گذشته در منطقه‌ی اشکور برجای مانده است، (آیین‌های مذهبی و غیرمذهبی) آن‌ها را با شرح و توضیحات کامل بازگو نمایید؟
- ۲ - چه باورهای از گذشته تا به امروز در اذهان شما برجای مانده است آنها را همراه با دلیل این‌که چرا به آنها معتقد هستید، را بیان نمایید؟

#### - مکان تحقیق

مکان مورد پژوهش، بخش اشکورسفلی شهرستان رودسر استان گیلان بوده است. مرکز بخش اشکور شهر رحیم‌آباد است، و بخش اشکور دارای سه دهستان بزرگ به نام‌های اشکور سفلی، اشکور وسطی یا شوئیل و اشکورعلیا یا سیارستاق ییلاقی است.

دهستان اشکور سفلی دارای ۵۰ آبادی کوچک و بزرگ است، به مرکزیت روستای زیاز. این دهستان دارای ۸ دهیاری فعال می‌باشد، روستاهایی که در آن تحقیقات مردم‌شناسی انجام گرفته عبارتند از:

- ۱- روستای سجیران (در فاصله ۲۵ کیلومتری شهر رحیم‌آباد) ۲- روستای گره‌گواهر (در فاصله ۳۲ کیلومتری شهر رحیم‌آباد) ۳- روستای زیاز (در فاصله ۲۶ کیلومتری شهر رحیم‌آباد) ۴ - روستای آغوزبن کندسر (در فاصله ۳۹ کیلومتری شهر رحیم‌آباد) ۷ - روستای کاکرود (در فاصله ۴۰ کیلومتری شهر رحیم‌آباد)



عکس شماره (۱) روستای گره‌گواپر:عکاس؛ نقی عابدی، مورخه ۱۳۸۹/۴/۲۰.

در ضمن سعی شده از روستاهای بالادست هم، باورهایی را به صورت نمونه جمع‌آوری شود. روستاهایی نظیر؛ شوییل، لشکان، گیری، کلکاموس و ...

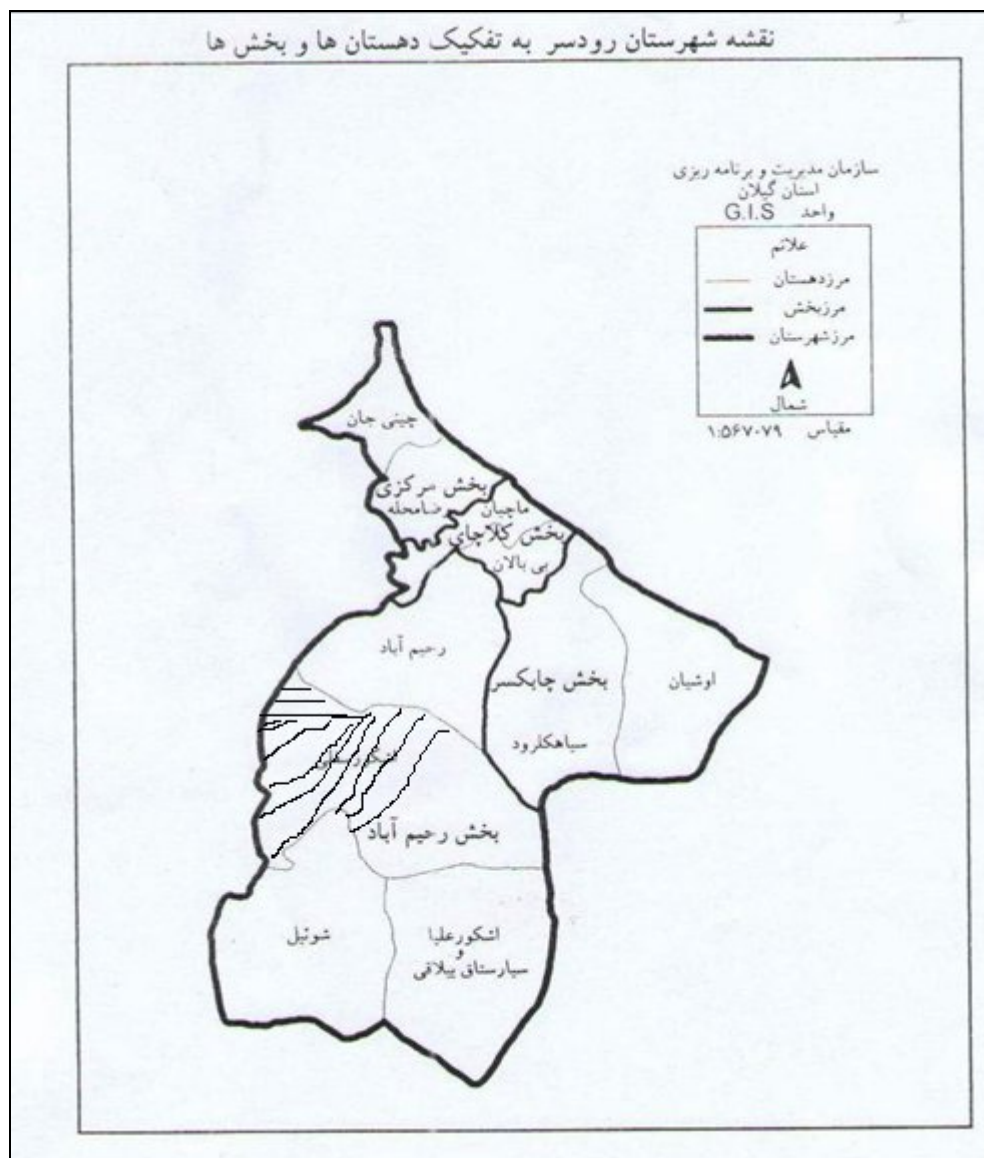


عکس شماره (۲) روستای شوییل واقع در دهستان شوییل:  
عکاس نقی عابدی فیروزجایی، مورخه ۱۳۸۹/۴/۱۸



عکس شماره (۳) روستای کلکاموس:  
عکاس نقی عابدی، مورخه ۱۳۸۹ / ۴ / ۱۸

نقشه شماره (۱): قسمتی که علامتگذاری شده است مکان مورد پژوهش بوده است.



#### - زمان تحقیق

در حقیقت زمان تحقیق از آبان ۱۳۸۸ هجری شمسی با مطالعه ی کتب مختلف در زمینه ی باورهای عامیانه شروع شده و تا به اردیبهشت ۱۳۹۰ هجری شمسی ادامه داشته است.

#### - ابزار و مصالح تحقیق

مهمترین ابزار و مصالحی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته عبارتند از:

۱- نقشه ۲- دوربین عکاسی . ۳- دفترچه یادداشت . ۴- ضبط صوت.



## - مشکلات تحقیق

با توجه به اینکه بسیاری از پاسخگویان دارای کهولت سن بودند، محقق نتوانسته به خوبی در جامعه تحقیق ادغام شود، همچنین پذیرش محقق در جامعه تحقق با مشکل خاصی همراه بوده است، زیرا محقق در آغاز تحقیق از فردی که با زبان و فرهنگ مردم اشکور سفلی آشنایی داشته باشد کمک نگرفته بود، به همین خاطر پاسخگویان در پاسخگویی دچار شک و تردید شده بودند، بدین جهت در جمع‌آوری اطلاعات دچار وقفه گردید. از وقتی که محقق به این مشکل پی برده بود در جمع‌آوری اطلاعات و ادغام با جامعه محلی نیز مشکلی پیش نیامد.

## - چارچوب نظری

باروهای عامیانه در قالب نظریه‌ی اشاعه‌گرایی قابل بررسی است. «در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم هنگامی که نظریه‌ی تطورگرایی تایلر و مورگان مورد تأیید بسیاری از محققان بود، نظریات اشاعه‌گرایان در مناطق مختلف دنیا در انسان‌شناسی مطرح شد و بدین ترتیب دو مکتب اشاعه‌گرایی انگلیسی و اشاعه‌گرایی آلمانی- اتریشی به وجود آمد. صاحب‌نظران\* مکتب اشاعه‌گرایی انگلیسی معتقد بودند که بیشترین نشانه‌های تمدن در مصر رشد یافت (زیرا این کشور از نظر فرهنگی نسبتاً پیشرفته بود) و از آنجا توسط مردمی که بامصریان درارتباط بودند به سایر مناطق جهان اشاعه یافت. اشاعه‌گرایان انگلیسی بر این تصور بودند که امکان تطور موازای یک خصوصیت فرهنگی در دو منطقه دور از هم نادر است. آن‌ها معتقد بودند خلاقیت و نیروی ابداع و اختراع در میان مردم ارثی نیست، در نتیجه مردم ترجیح می‌دهند که اختراعات را از سایر فرهنگها قرض بگیرند. این نظریه هرگز به طور گسترده مورد قبول واقع نشد و در زمان حاضر مردود است.» (عسکری خانقاه و شریف کمالی، ۱۳۷۸، ص ۲۵۹)

علمای مکتب اشاعه‌گرایی آلمانی- اتریشی\* معتقد بودند که «مردم از سایر فرهنگها قرض می‌گیرند و خلاقیتی از خود ندارند. به نظر گرینر و اشمیت خصوصیات فرهنگی می‌توانند به طور گروهی یا منفرد و در مسافتی بسیار زیاد اشاعه یابند. گذشته از آن می‌توان با مطالعه‌ی خصوصیات بین جوامع

\* نظریه پردازان انگلیسی عبارتند از: اسمیت G.Eliot Smith، پری W.H.R.Rivers و ریورز W.H.R.Rivers.

\* صاحب نظران مکتب اشاعه‌گرایی آلمانی- اتریشی عبارتند از: فریتز گرینر Fritz Graebner و پدر ویلهلم اشمیت Father wilhelm Sshmidt.

قدیمی تر - آن‌هایی که راه زندگی‌شان هنوز بسیار ابتدایی است - مشترک مانده‌اند، مشخصات کهنترین فرهنگها را بازسازی کرد. برخلاف مکتب انگلیسی که معتقد بود خصوصیات فرهنگی از یک محل (مصر) اشاعه یافته است، مکتب آلمانی - اتریشی بر آن بود که تعدادی از مراکز فرهنگی و نه یک منطقه، وجود داشته‌اند که فرهنگ از این مناطق به سایر مناطق اشاعه یافته است. در هر صورت، مکتب آلمانی - اتریشی همانند مکتب انگلیسی دارای مدارک قوی برای نشان دادن شواهد تاریخی فرضیه‌ی خود نبود.

(همان، صص ۲۵۹ و ۲۶۰)

«مکتبی دیگر از اشاعه‌گرایی\*\* که مکتب آمریکایی نام دارد به وسیله‌ی «کلارک ویسلر» و آلفرد کروبر» ظهور یافت. مکتب آمریکایی در روش با مکتب آلمانی - اتریشی مشابه بود، اما در ادعای خود تواضع بیشتری داشت. اشاعه‌گرایان آمریکایی بیشتر به خصوصیات یک منطقه‌ی فرهنگی توجه می‌کردند که خصوصیات فرهنگی در این منطقه رشد و از آنجا به سایر مناطق اشاعه یافته است. ویسلر معتقد بود که اگر خصوصیتی از یک مرکز فرهنگی به مناطق دیگر اشاعه یابد، خصوصیات ایجاد شده در اطراف چنین مرکزی که دارای فراوانی بیشتری هستند، باید قدیمتر باشند. هر چند امروزه انسان‌شناسی با اشاعه‌ی خصوصیات فرهنگی موافق است، اما تعداد کمی از انسان‌شناسان اشاعه‌گرایی را عامل رشد و اختلافات فرهنگی می‌دانند.» (همان، ص ۲۶۰)

نظریه اشاعه‌گرایی با «انتقاد از تطور و تکامل‌گرایی "Evolutionnisme" زاییده شده است و بر طبق آن برای آگاهی بهتر از وضعیت و مختصات کنونی یک جامعه لازم است که تاریخ فرهنگی آن دوباره ترسیم کرد؛ با اتکا به این امر که اکثر عناصر تشکیل دهنده آن از فرهنگ‌های دیگر اخذ شده‌اند و نیز از شمار محدودی از مراکز اشاعه "Centres dediffusion" یا (کانونهای فرهنگی) - به تناسب قلت نسبی فرایندهای نسبی فرایندهای ابداع - ناشی می‌شوند.

دو ویژگی فرهنگی "Trait culturel" همانند، که در دو فرهنگ مشخص آشکار می‌شوند، به وسیله مکتب تطور و تکامل‌گرایی، به منزله‌ی نشانه‌ای از دو نوع تطور و تکامل موازی و مستقل که مربوط به فرهنگ‌های سنجیده و شناخته شده‌است، مورد تفسیر قرار گرفته‌اند، در صورتی که برای مکتب اشاعه‌گرایی

---

\*\* صاحب نظران مکتب اشاعه‌گرایی آمریکایی عبارتند از: کلارک ویسلر Clark Wissler و آلفرد کروبر Alfred Kroeber .

این شباهت و همانندی نتیجه‌ای از یک اخذ مستقیم و غیرمستقیم (و انتقال Transfert) است که به وسیله‌ی یکی از جوامع نسبت به دیگری صورت می‌گیرد.» (پانوف و پرن، ۱۳۸۲، ص ۹۵)

«اشاعه (تراوش، پخش، انتشار و ...) به فرایندی گفته می‌شود که در نتیجه‌ی آن، ویژگی‌های فرهنگی یک جامعه در جامعه‌ای دیگر شیوع پیدا کند. در واقع به تراوش رفتار یا آداب و رسوم از فرهنگی به فرهنگ دیگر «اشاعه» گویند. بسیاری از جامعه‌ها، بخش اعظم ویژگیهای فرهنگی خود را از طریق اشاعه به دست می‌آورند. هر موقع که دو جامعه با یکدیگر تماس پیدا می‌کنند عمل «اشاعه» به درجات مختلف، انجام می‌گیرد. بدین‌گونه، ویژگیهایی که در جامعه‌ای پدید می‌آیند، غالباً به جامعه‌ای دیگر دور و نزدیک انتشار می‌یابند. چنانکه استعمال توتون که از اختراع بومیان آمریکایی است، در سراسر جهان گسترده شد و انتشار یافت.» (رنجبر و ستوده، ۱۳۸۰، صص ۷۷ و ۷۸)

در نتیجه، این‌که باورهای مشابه در بین اقوام مختلف جهان به وفور یافت می‌شود را می‌توان ناشی از به‌وجود آمدن باوری در زمانی مشخص و در یک جغرافیای خاص و بر اثر ارتباط مردمان اقوام مختلف با همدیگر که در سراسر جهان پخش شده‌اند، دانست. بنابراین نظریه‌ای که باورهای عامیانه در آن قابل تجزیه و تحلیل است نظریه‌ی اشاعه‌گرایی است.

#### - پیشینه‌ی تحقیق

صد سال اخیر در ایران تحقیقات نسبتاً خوبی راجع به جمع‌آوری فولکلر عوام انجام گرفته است. اما کمتر کتابی در زمینه تجزیه و تحلیل باورهای عامیانه در ایران به نگارش در آمده است. مهم‌ترین کتاب‌هایی که در زمینه‌ی عقاید و آداب ایرانیان نوشته شده‌اند عبارتند از:

- «عقاید النساء یا کلثوم ننه»؛ اولین کتابی که در زمینه‌ی باور عوام در ایران نوشته شده است مربوط به دوره‌ی صفویه به قلم جمال خوانساری است. این کتاب شامل یک مقدمه، شانزده باب و خاتمه است که باب‌های آن عبارتند از: در بیان غسل، وضو و تیمم، در بیان نماز، در بیان روزه، در بیان نکاح، احکام شب زفاف، احکام و اعمال زاییدن زنان و ادعیه وارده درباره زائو، در بیان حمام رفتن، در بیان سازها و افعال آنها، در بیان معاشرت زنان باشوهران خود، در بیان مطبوختاتی که به نذر واجب می‌شود، در بیان تعویذ

به جهت چشم زخم (دعایی که به گردن یا بازو می‌بندند تا دفع چشم زخم و بلاکنند)، در بیان محرم و نامحرم، در بیان استجاب دعا، در بیان آمدن مهمان، در بیان صیغه خواهر و برادر خواندگی و چیزهایی که بعد از خواهر خواندگی برای یکدیگر می‌فرستند. خاتمه کتاب نیز در بیان ادعیه و اذکار متفرقه و آداب کثیرالمنفعه است. همچنین دارای تصاویری سیاه و سفید است که بیشتر جنبه مردم‌نگارانه دارند.

برخی از مطالب رساله کتاب «عقاید النساء»، عقاید و رسوم هستند که مردم هم‌عصر نویسنده کتاب فوق‌الذکر، زمان پادشاهی صفویان به آن عقاید باور داشته‌اند و آن‌ها را در زندگی خود به کار می‌برده‌اند و امروز هم که نزدیک به سیصد سال از آن زمان می‌گذرد، هنوز برخی زنان سنتی ایران به آن پایبندند و آنها را همان‌گونه که پیشینیان به کار می‌بسته‌اند به کار می‌برند.\*

- «آداب و معتقدات ایرانی»؛ دومین کتابی است که در زمینه‌ی باور و عقاید عامیانه مردم ایران به قلم محقق فرانسوی «هانری ماسه» نوشته شده است و کتابی است در خور ستایش و قابل استفاده برای محققان ایرانی.

- «باورهای عامیانه مردم ایران»؛ سومین کتاب بسیار با ارزش در زمینه عقاید و باورهای ایرانی نوشته شده است کتابی است به قلم صادق هدایت، تحت عنوان «باورهای عامیانه مردم ایران»، که شامل دو بخش است. بخش نخست شامل دیباچه و حاوی مطالبی در زمینه آداب و تشریفات زناشویی، زن آستن، بیچه، اعتقادات و تشریفات گوناگون، آداب ناخوشی‌ها، برای برآمدن حاجت‌ها، خواب، مرگ، تفائل ناشی از اعضای بدن، تفائل، نفوس، مروا، مرغوا، ساعت، وقت، روز، احکام عمومی، دستورها و احکام عملی، چند اصطلاح و مثل، چیزها و خاصیت آن‌ها، گیاهان و دانه‌ها، خزندگان و گزندگان، پرندگان و ماکیان، دام و دد، بعضی از جشن‌های باستانی، جاها و چیزهای معروف، افسانه‌های عامیانه و گوناگون است.

هدایت در دیباچه‌ی کتاب، زیر عنوان دیباچه‌ی نیرنگستان سعی کرده، تا باورهای عامیانه ایرانی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و آبشخور بعضی از باورهای ایرانی را مشخص کند.

بخش دوم کتاب فوق راجع به ادبیات عامیانه است.

---

\* برای آگاهی بیشتر رک: «کلثوم ننه» یا عقاید النساء.